

پیامدهای عوامل زمینه‌ای در فرایند تکوین هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه
Consequences of contextual factors in the process of formation of spiritual
intelligence of high school students

Elaheh Vakilzadeh Dizaji

PhD Student, Department of Educational Sciences,
Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz,
Iran.

Dr. Yousef Adib*

Professor, Tabriz University, Tabriz, Iran.

yousef_adib@yahoo.com

Dr. Zarrin Daneshvar

Assistant Professor, Islamic Azad University,
Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

Dr. Behnam Talebi

Assistant Professor, Islamic Azad University,
Tabriz Branch, Tabriz, Iran.

الیه وکیل زاده دیزجی

دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی،
تبریز، ایران.

دکتر یوسف ادیب (نویسنده مسئول)

استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

دکتر زرین دانشور

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

دکتر بهنام طالبی

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Abstract

The present study was conducted to determine the consequences of underlying factors in the process of formation of spiritual intelligence of high school students using data theory and based on the paradigm model of Strauss and Corbin (2008). Participants included 21 Secondary school students in Tabriz, teachers, and people in contact with students. Purposeful approach and theoretical sampling technique were used for sampling and data saturation logic was used for sample adequacy. Data were collected through semi-structured in-depth interviews and coded. To increase the validity of the findings, the researcher's angle method and data checking by participants were used. The results showed that the consequences of the process of formation of spiritual intelligence include a change in worldview, achieving inner peace, success in life, and the growth of moral values which are influenced by internal, environmental, religious, and transcendental values as underlying factors. Achieving inner peace was conceptualized as a central phenomenon. Achieving inner peace was conceptualized as a central phenomenon.

Keywords: *Spiritual intelligence, context, process, consequence.*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین پیامدهای عوامل زمینه‌ای در فرایند تکوین هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه به روش نظریه داده بنیاد و بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین (۲۰۰۸) انجام شد. مشارکت‌کنندگان به تعداد ۲۱ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر تبریز، معلمان و افرادی بودند که با دانش‌آموزان در ارتباط هستند. برای نمونه‌گیری از رویکرد هدفمند و تکنیک نمونه‌گیری نظری و برای کفایت حجم نمونه از منطق اشباع داده‌ها استفاده گردید. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته جمع‌آوری و کد گذاری شدند. به منظور افزایش اعتبار یافته‌ها از روش زاویه بندی محقق و چک کردن داده‌ها توسط شرکت‌کنندگان استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که پیامدهای حاصل از فرایند شکل‌گیری هوش معنوی، شامل تحول در جهان‌بینی، دستیابی به آرامش درونی، موفقیت در زندگی و رشد ارزش‌های اخلاقی است که از عوامل درونی، محیطی، ارزش‌های دینی و فرادینی به عنوان عوامل زمینه‌ای تأثیر می‌پذیرد. دستیابی به آرامش درونی به عنوان پدیده مرکزی مفهوم‌پردازی شد.

واژه‌های کلیدی: *هوش معنوی، زمینه، فرایند، پیامد.*

طی چند دهه اخیر نظریه‌پردازان و صاحب نظران در باب یادگیری و هوش به این نتیجه رسیدند که علاوه بر هوش عقلانی و هوش هیجانی جنبه دیگری از هوش نیز وجود دارد که کاملاً منحصر به فرد و انسانی است. در واقع امروزه گفته می‌شود هوش عقلانی و هوش هیجانی پاسخگوی همه چیز نبوده و به طور واقعی موثر نیستند، بلکه انسان به عامل دیگری نیازمند است که هوش معنوی نامیده می‌شود (طبرسا و معینی کربکندی، ۱۳۹۳). مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روانشناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۱ و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط رابرت ایمونز^۲ مطرح شد (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۹). از این تاریخ به بعد گروهی از مؤلفان و پژوهشگران مانند (زوهرف^۳، مارشال و نوبل^۴، ۲۰۰۰؛ سیک و ولمن^۵، ۲۰۰۱؛ ناسل^۶، ۲۰۰۴ و کینگ^۷، ۲۰۰۸) درصد آن برآمدند تا مفهوم هوش معنوی را با توجه به مبانی نظری متفاوت، تعریف کرده و مؤلفه‌های آن را مشخص کنند. به موازات این جریان، گروهی دیگر از روان‌شناسان مانند گاردنر^۸ (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی پیامدهای زندگی تطابق و سازگاری رویدادهای زندگی قرار دادند و پذیرش این مفهوم ترکیبی از معنویت و هوش را به چالش کشیدند (ابراهیمی، ۱۳۹۰).

اسکیرزی پینسکا^۹ (۲۰۲۰) هوش معنوی را به عنوان یک ساختار روانشناختی دانسته و آن را به عنوان توانایی جستجو برای معنای زندگی تعریف می‌کند. ویگلس ورث^{۱۰} (۲۰۱۲) آن را به عنوان نیاز درونی انسان تعریف می‌کند تا به چیزی بزرگتر از خود متصل شود، چیزی که فکر می‌کنیم الهی یا دارای استعداد استثنایی است. سانتوس^{۱۱} (۲۰۰۶) نیز معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده‌ی جهان است. مؤلفه‌های هوش معنوی از نظر کینگ شامل تفکر و جود انتقادی، نتیجه‌ی معناداری شخصی، هشیاری متعالی و گسترش حالت هشیاری می‌باشند (رقیب، احمدی و سیادت، ۱۳۸۷). هوش معنوی به مردم فرصت تعمق در رفتارهای خود و پرورش یک ایده سالم و جامع در زندگی را می‌دهد (یوپادهای^{۱۲}، ۲۰۱۶). هوش معنوی ترکیبی از عناصر هوش و معنویت می‌باشد (امینی جاوید، زندگی پور و کرمی، ۱۳۹۴). از منظر اسلام نیز داشتن معنا و هدف در زندگی، توکل و امید به خداوند، تفکر وجودی، شکیبایی، شرح صدر (ظرفیت روانی) و هوشمندی، نیکوکرداری، سپاس‌گزاری و انجام مناسک دینی (دعا، یاد خدا و نماز) از مؤلفه‌های هوش معنوی به شمار می‌روند (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۹). به نظر می‌رسد که هوش معنوی به عنوان زیربنای باورهای فرد نقش اساسی را در زمینه‌های گوناگون به ویژه خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی ایفا کند (محمدپور، ۱۳۹۲). در این ارتباط، نتایج مطالعه‌ی گوپتا^{۱۳} (۲۰۱۲) نشان داد که هوش معنوی به طور مثبت و معناداری با خودتنظیمی و ابعاد آن همبسته است. در واقع هوش معنوی شامل حس معنا داشتن ماموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌باشد (رئیس، کاکائی و رئیس، ۱۳۹۷). هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنویات و ارزش‌ها می‌تواند به انسان قدرت تغییر و تحول بدهد و او را در حل مسایل و مشکلات فرهنگی و معنوی یاری دهد (شایانفر، ۱۳۹۳). چرا که این هوش شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکردی همراه با بصیرت می‌باشد (خوش طینت، ۱۳۹۳).

1 .Intellectual Intelligence

2 .Emotional Intelligence

3 .Stevens

4 .Emmons

5 .Zohar

6 .Marshall & Nobel

7 .Sisk & Woolman

8 .Nasel

9 .King

1 .Gardner 0

1 .Skrzypińska 1

1 .Wigglesworth 2

1 .Santos 3

1 .Upadhyay 4

1 .Gupta 5

اهمیت هوش معنوی و تأکید بر معنا‌گرایی امروزه به واسطه افول ارزش‌ها و بی‌رنگ شدن ارزش‌های محوری بیشتر از گذشته در کانون توجه است و این مهم در نظام آموزشی که وظیفه انتقال ارزش‌ها و تقویت معناگرایی را در نسل آینده بر عهده دارد، از جایگاه ویژه‌تری نسبت به سایر سازمانها برخوردار است (شجاعی و سلیمانی، ۱۳۹۳). لکن هسته اصلی آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت، برنامه‌ی درسی است. برنامه‌های درسی و نظریات در زمینه آموزش و پرورش از جمله عوامل و عناصری است که در تحقق بخشیدن به اهداف آموزشی نقش بسزایی دارد (دهقانی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴).

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، به رغم این که رشد و تکوین هوش معنوی تابع عوامل گوناگونی است و در برخی پژوهش‌ها به آن اشاره شده است، با این حال پژوهش‌ها و نظریه‌ها به ندرت به فرآیند شکل‌گیری و پیامدهای مربوطه توجه کرده‌اند و بیشتر به توضیح خودسازه هوش معنوی پرداخته‌اند؛ ولی باید توجه داشت که هوش معنوی یک فرایند مستمر تفسیر و تفسیر مجدد است و یک امر واحد نبوده و از ابعاد گوناگونی تشکیل شده است که نتیجه نحوه‌ی ساخته شدن احساس فرد از خودش بوده و در جریان زندگی اتفاق می‌افتد که نتایج و پیامدهای حاصل از آن در همه ابعاد زندگی فرد آشکار می‌شود؛ از سوی دیگر مدیران نظام تعلیم و تربیت باید دانش آموزان را از تمامی ابعاد بشناسند و آنان را در مسیر صحیح شکل‌گیری هوش معنوی قرار داده و از شکل‌گیری هوش معنوی مخدوش و معیوب در آنان جلوگیری کرده و آنها را با پیامدهای شکل‌گیری این فرایند که به یقین نقش‌سازنده‌ای در جنبه‌های مختلف زندگی دارد، آشنا سازند. همچنین تکوین این سازه ممکن است تابع عوامل موقعیتی نیز باشد، یعنی عوامل موثر و فرایند شکل‌گیری و پیامدهای مربوطه از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت است و پژوهش‌های اندکی در این خصوص انجام پذیرفته و یا نظریه‌پردازی شده است. لذا علاوه بر شناخت الگویی که تکوین و ساخته شدن هوش معنوی دانش‌آموزان از آن پیروی کرده و قابلیت تعمیم داشته باشد مورد نیاز است، توجه به پیامدهای سازنده و مهم آن نیز که نقش عوامل انگیزشی را هم در مسیر درست زندگی ایفا می‌کنند بسیار حائز اهمیت است. لذا محقق در این تحقیق با توجه به مسائل و مطالب ارائه شده در خصوص هوش معنوی و ضرورت بکارگیری آن در برنامه درسی مدارس و آثار و نتایج آن، به دنبال مطالعه پیامدهای فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان در دوره دوم متوسطه نظام آموزشی است؛ این پژوهش به شیوه‌ی گراندتئوری و با استفاده از داده‌های مبتنی بر عرصه، بعد از مطالعه و شناسایی فرآیند تکوین هوش معنوی در دانش‌آموزان به دنبال نتایج حاصل از آن می‌باشد. به عبارتی هدف از انجام این تحقیق دستیابی به پاسخ این سوال است که فرآیند تکوین هوش معنوی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

روش

توجه عمده به پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی، تأکید بر وجود انسان و معنا و مفهومی که انسان در نظر دارد، دلیلی بر استفاده از داده‌های کیفی است. به عبارت دیگر، تحقیق کیفی سؤالاتی را مطرح می‌کند تا مفهوم ابعاد و تجربیات مختلف زندگی انسان‌ها و محیط اجتماعی آنها بهتر درک شود و به دنبال پاسخ به سؤالاتی همچون چپستی یا چگونگی یک موضوع است (فضل‌اله زاده حاجی، ۱۳۹۱) و چون ما در این تحقیق به دنبال کشف چگونگی تکوین هوش معنوی و پیامدهای آن هستیم و از سوی دیگر با توجه به دانش محدودی که در مورد شکل‌گیری هوش معنوی و نتایج آن در ایران وجود دارد و نظریه‌های کافی و مناسبی برای توضیح یا پیش‌بینی آن موجود نیست، بنابراین تحقیق با رویکرد کیفی و به روش نظریه‌ی داده‌بنیاد انجام شده است. این مطالعه در کشور ایران و در شهر تبریز صورت گرفته است. مشارکت‌کنندگان پژوهش به تعداد ۲۱ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه، معلمان و افرادی بودند که با دانش‌آموزان در ارتباط هستند. برای نمونه‌گیری از رویکرد هدفمند و تکنیک نمونه‌گیری نظری استفاده شد. برای کفایت حجم نمونه از منطبق اشباع داده‌ها استفاده گردید.

ابزار سنجش

ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه فردی از نوع نیمه ساختاریافته و یادداشت‌های عرصه بود که با سوالات بازپاسخ شروع و بر اساس صحبت‌های مشارکت‌کنندگان هدفمند شد. سوالات مبتنی بر مبانی نظری و هدف پژوهش بوده و با نظارت استاد مسلط به تحقیقات کیفی طراحی گردید.

Consequences of contextual factors in the process of formation of spiritual intelligence of high school students

عبارات و نظرات مصاحبه شونده ضبط شده و پس از اتمام جلسه، لفظ به لفظ پیاده شدند. به منظور رعایت نکات اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، فرد شرکت کننده از هدف انجام طرح و مصاحبه آگاه شد و با رضایت کتبی از حضور در پژوهش، مصاحبه انجام و ضبط گردید. تعیین اعتبار داده‌ها در این پژوهش، از طریق ثبت مصاحبه‌ها و تأیید توصیف‌های نهایی توسط شرکت‌کنندگان و زاویه‌بندی محقق بوده است. متن مصاحبه‌ها پس از تایپ به نرم افزار MAXQDA10 منتقل شده و کد گذاری شدند. کد گذاری بر اساس مدل پارادایمی کوربین و اشتراوس (۲۰۰۸) شامل سه مرحله بوده است. کدگذاری باز آن بخش از تحلیل است که در آن داده‌های مربوط به پدیده مورد مطالعه با بررسی دقیق نام گذاری و مقوله بندی می شود. کدگذاری محوری: فرایند مرتبط کردن مقولات فرعی به مقولات اصلی‌تر. این عمل شامل مراحل پیچیده تفکر استقرایی و قیاسی می باشد که طی چند مرحله انجام می‌گیرد. کدگذاری گزینشی: کدگذاری محوری را در سطحی بالاتر و انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد.

یافته‌ها

در این تحقیق به دنبال یافتن مجموعه زمینه‌ها و شرایطی بودیم که روی مشارکت‌کنندگان تاثیر گذاشته و موجب عمل و عکس‌العمل‌های آنها می‌شود. زمینه در این مطالعه شامل طبقه‌های اصلی عوامل درون فردی، عوامل برون فردی (محیطی)، ارزشهای دینی و ارزش‌های فرادینی. می‌باشد. از آنجایی که داده‌ها حاکی از تغییر و تحول در عمل/عکس‌العمل و عواطف و روحيات و حالات افراد در یک روند تکاملی با گذشت زمان و تغییر در شرایط زمینه‌ای است، لذا فرایند به صورت مراحل پیوسته و در هم تنیده و مرتبط به هم توصیف می‌شوند. فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دارای دو مرحله‌ی درک جایگاه هوش معنوی و مقابله با موانع تکوین هوش معنوی است.

همچنین بر اساس کدهای بدست آمده پیامدهای عوامل زمینه‌ای و فرایندی در شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در چهار طبقه‌ی اصلی تحت عناوین: تحول در جهان‌بینی، دستیابی به آرامش درونی و موفقیت در زندگی و رشد ارزشهای اخلاقی طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول (۱) پیامدهای عوامل زمینه‌ای در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان

طبقه	زیرطبقه	مفاهیم (ویژگی‌ها)	طیف
تحول در جهان‌بینی	تحکیم ارتباط با خدا	درک و شناخت عمیق و باطنی امور	محدود تا وسیع
	دریافت الهامات	الهاماتی قلبی و امدادهای غیبی	محدود تا وسیع
	پرورش حس زیبایی‌شناختی	همه چیز را زیبا و بامعنا دیدن	محدود تا وسیع
دستیابی به یک طمانینه و آرامش درونی	احساس رضایت و لذت از زندگی	درک حکمت امور	محدود تا وسیع
	گرایش به معنویت	ارزشهای دینی و فرادینی	کم تا زیاد
	تقرب و نزدیکی به خدا	عرفان و علوم غریبه	کم تا زیاد
	توجه به علائق	ارزشهای فرادینی (عرفان و فطرت)	کم تا زیاد
موفقیت در زندگی	رشد و افزایش فاکتورهای موفقیت	علاقه و استعدادهای ذاتی و خدادادی	کم تا زیاد
	رفع موانع پیشرفت	افزایش اعتماد به نفس و امید به زندگی	کم تا زیاد
رشد ارزشهای اخلاقی	بعد درون فردی	کاهش اضطراب، افسردگی، ناامیدی و بحران هویت	کم تا زیاد
	بعد برون فردی و میان فردی	دوری از بدیها و رذایل اخلاقی گرایش به فضائل اخلاقی	کم تا زیاد
		احترام به کائنات (انسانیت، طبیعت و حیوانات)	کم تا زیاد

1. Open coding

2. Axial coding

3. Selective coding

الف- تحول در جهان‌بینی: جهان‌بینی هر فرد در حقیقت حاصل نوع نگاه، برداشت و تفسیر او از خود، خدای خود و جهان پیرامون خود می‌باشد که ارتباط تنگاتنگی با میزان دستیابی انسان به آرامش حقیقی دارد. به تعبیری دیگر، رسیدن انسان به یک آرامش درونی، طمانینه یا اطمینان خاطر، مرهون نگاه متعالی و بامعنای او به دنیا یا همان جهان‌بینی والای اوست. شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها تجربه‌های خود در این زمینه را به طرق مختلف بیان کرده‌اند که با توجه به آنها ویژگی‌های این بخش شامل چهار طبقه می‌باشد: تحکیم ارتباط با خدا، دریافت الهامات یا حس ششم، پرورش حس زیبایی‌شناختی و احساس لذت و رضایت از زندگی. به عنوان نمونه صحبت‌های یکی از شرکت‌کنندگان اینطور بوده است: "افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، دیدگاهشون نسبت به جهان هستی عمیق تر، ظریف تر و دقیق تره، در نتیجه جهان‌بینی و فلسفه فکریشون خیلی گسترده تره و بالعکس افرادی که از هوش معنوی پایین تری برخوردارن و با معنویات زیاد نمی‌تونن ارتباط برقرار کنن، جهان‌بینی و نگرش نسبتا محدودی دارن و میشه گفت در بعد مادیات گیر کردن".

- **تحکیم ارتباط با خدا:** طبق اظهارات شرکت‌کنندگان در مصاحبه علاوه بر مذهب و عرفان، تغییرات جهان‌بینی ناشی از هوش معنوی نیز، موجب برقراری ارتباطی عمیق با خدای متعال و درک مفهوم وحدت در عین کثرت است که نظر یکی از شرکت‌کنندگان در مطالعه در این زمینه چنین است: "ما در قرآن داریم که با یاد خدا دلها آرام می‌گیره، وقتی که میگی یاد خدا، خدا اوج معنویتته، ما وقتی با خدا ارتباط برقرار می‌کنیم یعنی در اوج هوش معنوی هستیم". شرکت‌کننده‌ی دیگری این چنین ابراز عقیده کرده است: "هوش معنوی اونطور که از اسمش هم پیداست هوشی هست که متصل به معنویاته و به نظر من چون هر چیزی که ما رو به خدا می‌رسونه یا نزدیکتر میکنه معنویات محسوب میشه پس میتونیم بگیم هوش معنوی هوشیه که متصل به خداست".

- **دریافت الهامات (حس ششم):** با توجه به تجربه‌هایی که مصاحبه‌شوندگان درباره آنها صحبت کرده‌اند، دریافت الهاماتی قلبی و امدادهای ماورایی، شهود، تغییر و تحول روحانی، خودآگاهی، ضمیرناخودآگاه، آرامش روح و روان، حالات روحی خوشایند و لذت‌بخش به طور خلاصه حس ششم، از نتایج قابل توجهی است که در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی حاصل می‌گردد. به عنوان نمونه: "عرض شود در مورد نمودهای هوش معنوی با توجه به میزان توجهی که فرد به هوش معنوی کرده نمودهایی رو از اون می‌بینیم، مثلا در مورد افراد عادی گاهی دقت کردین میگن احساس کردم به من الهام شد، این احساس کردم به من الهام شد، در حقیقت یک نوع ایجاد ارتباط فرد با معنویتته....".

- **پرورش حس زیبایی‌شناختی:** یکی دیگر از دستاوردهایی که فرایند شکل‌گیری هوش معنوی برای دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد، ایجاد و پرورش حس زیبایی‌شناختی است که در اصول تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران نیز به آن اشاره گردیده است. البته بنابر نظر مشارکت‌کنندگان پرداختن به امور هنری و بویژه هنر ارزشمندی همچون موسیقی ناب و اصیل با اتصال به عالم معنا، راه رسیدن به چنین ادراکی را هموارتر می‌کند. یکی از شرکت‌کنندگان که از دوران دانش‌آموزی فعالیت هنری داشته است، اینطور اظهار نظر کرده است: "به هر حال موسیقی و هنر خودش یه درک بالایی از احساس رو می‌خواد که اونم با معنویات کاملا مچ هستش، اگه آدم بتونه اون زیبایی و ظرافتی که تو امور هنری هست رو ببینه مثل یه قطعه موسیقی اصیل یا یه تابلوی نقاشی یا کلا هر اثر هنری دیگه، اونوقت کلا سطح ادراکش میره بالا و این کمک میکنه تا زیبایی‌های دیگه رو هم که دوروبرمون هست بهشون توجه کنیم".

- **احساس رضایت و لذت از زندگی:** بر اساس تجاربی که شرکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها ابراز کرده‌اند، این احساس خوشایند و لذت‌بخش ارتباط نزدیکی با معنویات و هوش معنوی دارد، چرا که در سایه‌ی اتصال به معنویت تحولی ژرف و عمیق در طرز نگاه یا جهان‌بینی انسان رخ می‌دهد و سبب می‌شود جهان و حوادث آن با چشم‌اندازی زیبا و معنادار، بر دیدگان او نمایان گردد. این چنین جلوه‌نمایی وقایع در جریان شکل‌گیری هوش معنوی و با اتصال به بی‌نهایت، درک حکمت امور و کشف ارتباط بین حوادث اتفاق می‌افتد. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان، این چنین اظهار نظر کرده است: "اصلا خود من فکر میکنم هوش معنوی یعنی اینکه راضی باشیم به رضای خدا. هر چقدرم که اختیار داشته باشیم باید اینو قبول کنیم که خیلی چیزها دست خودمون نیست. حالا اگه نگاهمون اینطور باشه که حکمت خدا اینطور بوده یا مصلحت ما مثلا تو این اتفاق بوده خیلی راحت دوباره به زندگی عادی برمیگردیم ولی اگه اینطور نباشه افسرده میشیم. بچه‌ها هم در عین اینکه تلاش می‌کنن باید به این چیزها آگاه بشن و اینم خوب وظیفه معلمها و مدرسه است دیگه".

ب- دستیابی به یک طمأنینه و آرامش درونی:

به جرأت می‌توان گفت در حال حاضر ضروری‌ترین چیزی که برای انسان امروزی مورد نیاز است، دست یافتن به یک آرامش روحی - روانی به دور از هیاهوی این عصر مدرنیته است. رویایی که دست یافتن به آن بدون گذر از وادی معنویت و ارتباط با آن، تقریباً ناممکن است. واقعیتی که اکثر شرکت‌کنندگان در این مطالعه نیز بر آن صحنه گذاشته و برای تحقق این رویا دست به تجربی زده و نتایجی گرفته‌اند که عبارتند از: تقرب و نزدیکی به خدا، گرایش به معنویت.

- **تقرب و نزدیکی به خدا:** توصیف‌های شرکت‌کنندگان حکایت از آن دارد که هدف آنان از رسیدن به مقام قرب الهی، درحقیقت جستجوی آرامش درونی است. البته آنان تجارب برای دستیابی به این هدف عالی و غائی، متنوع و متفاوت از یکدیگر بوده، لکن وجه مشترک همه‌ی این تجارب متفاوت، جلب رضایت و خوشنودی محبوب حقیقی جهت تقرب و نزدیکی به اوست. به طور کلی تجارب آنها در رسیدن به مقام قرب خدا، در انجام فرائض دینی، مذهبی و انجام فرائض انسانی به دور از هر گونه تعصب خلاصه می‌شود که تحت عناوین ارزشهای دینی و فرادینی نام‌گذاری شد.

۱- **ارزشهای دینی:** ارزشهای دینی یا به تعبیر دیگر باورها و اعتقادات مذهبی است که بر اساس تجارب مشارکت‌کنندگان موجب قرب و نزدیکی آنان به خداوند است. به عنوان نمونه: "هوش معنوی به نظرم از اسمش پیداست هوش معنوی به معنویت نزدیکه به خدا نزدیکه به دینمون و مذهبمون نزدیکه".

۲- **ارزشهای فرادینی:** به گفته مشارکت‌کنندگان در این مطالعه، ارزشهای اخلاقی- انسانی و فطری که از سرشت و نهاد پاک و ناب انسان نشأت گرفته و مستقل از هر دین و آئینی است؛ همان فطرت پاک خدایی که در ضمیر همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است. و اما تجارب برخی از مشارکت‌کنندگان دانش‌آموز در این زمینه: "ممکنه یکی تو به کشور دیگه دینش به چیز دیگه باشه یا اصلا به هیچ دین و مذهبی معتقد نباشه ولی خوب ذاتا و فطرتا انسان خداجو هست بالاخره. ممکنه دین نداشته باشه ولی همین که کارهای خوب و معنوی میکنه یعنی ذاتا داره به سمت خدا میره. چون به نظر من همه کارهای خوب و معنویات آخرش بالاخره ما رو به خدا می‌رسونه. هر کار خوبی که فکرشو بکنین، مثل کمک به انسانهای دیگه، فداکاری برای دیگران، دوست داشتن همه حتی حیوانات و گل و گیاهان کلا همه چی دیگه. یا مثلا با اینکه کسی به شما بدی کرده ولی شما عوضش خوبی کنی. برا همه دعای خیر کنی و خیلی از اینجور کارها. در واقع اینا رو همون هوش معنوی به ما میگه که انجام بدیم". و یا مورد دیگر: "اگه بخوام حقیقتو براتون بگم من تا حالا کلمه هوش معنوی نشنیدم ولی نظرمو اگه بخواین براتون بگم هوش معنوی به نظر من اینه که از راههای معنوی بتونیم به خدا نزدیک بشیم، وقتی به کاری انجام بدیم که مورد رضایت خدا قرار بگیره یعنی اون احساسی که درونمون پیدا کنیم که به خدا کمی نزدیکتر شدیم".

- **گرایش به معنویت:** معنویت یعنی وجود معنا که یک امر درونی بوده و مربوط به دریافت‌های باطنی است و شخص را قادر می‌سازد تا به کشف ماهیت هستی یا عمیق‌ترین ارزش‌ها و معانی در زندگی ناآل گردد. بر اساس تجارب شرکت‌کنندگان ابراز داشته‌اند، غالباً زمانی که انسان در معرض شرایط سخت یا تحت فشارهای روحی- عاطفی قرار بگیرد و یا غرق در مشکلاتی گردد که نتواند راه‌حل منطقی و مادی پیدا کند و یا با سوالات معناداری در زمینه ماهیت وجود و هستی و چرایی برخی امور مواجه گردد که در عالم ماده نتواند پاسخی برای آنها بیابد، به معنویت و عالم معنا روی می‌آورد؛ بر اساس یافته‌های این تحقیق معنویت یعنی ارزش‌های متعالی، اخلاقی و والایی که از متن دین یا فطرت گرفته شده است. تجارب مشارکت‌کنندگان در جستجوی معنویت حاکی از آنست که ارزشهای دینی برگرفته از مذهب و ارزشهای فرادینی منبعث از فطرت هر دو در اتصال به معنویت کارساز بوده‌اند که در بالا نیز اشاره گردید. نمونه‌ای از اظهارات مصاحبه‌شوندگان در این خصوص در ذیل آورده شده است: "البته من نمیدونم از لحاظ علمی این هوش چی هست ولی خوب اون معنایی که به ذهن خودم میرسه و برداشت خودمو میتونم بگم. خوب همونطور که از ترکیبش مشخصه هوش معنوی میتونه با معنویات و ماوراء مرتبط باشه، با چیزایی فراتر از دنیای مادی...".

عرفان و علوم غریبه: علاوه بر ارزشهای دینی و فرادینی، با توجه به موقعیت‌هایی که مصاحبه‌شوندگان تجربه کرده‌اند، پناه بردن به علوم غریبه نیز از جمله راههای اتصال به معنویت است بر این اساس گاهی انسان در جستجوی گمشده خود، یعنی آرامش حقیقی و درونی، به عرفان و علوم غریبه یا علوم ماورایی پناه می‌برد، به عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان از تجربه دوران نوجوانی و دانش‌آموزی خود در

رابطه با این موضوع سخن گفته است: "در یک مقطعی از زندگیم من دنبال علوم غریبه هم رفتم. بعد خواستم اینوا راههای علمی ترش هم دنبال کنم رفتم... که در اون مقاطع خیلی آروم میکرد و خیلی مسائل رو برام حل میکرد".

– **پرداختن به علائق:** با توجه به تجربه‌هایی که شرکت‌کنندگان در تحقیق بیان کرده‌اند، یکی از اصلی‌ترین و بهترین شیوه‌های رسیدن انسان به آرامش، پرداختن به امور مورد تمایل و علاقه به ویژه کارهای هنری از قبیل نقاشی و موسیقی است؛ در ادامه تجاربی از مشارکت‌کنندگان در این مورد آورده شده است: "من خودم تو خونه پیانو میزنم بیشتر اوقات خودمو با اون سرگرم میکنم. با اون میتونم مشکلاتمو به کم فراموش کنم و به خودم آرامش بدم".

ج- **موفقیت در زندگی:** بنابر نظر و تجارب شرکت‌کنندگان، موفقیت در زندگی معمولاً با شاخص‌هایی از قبیل اعتمادبه نفس، امید و آرامش در ارتباط است که در لابلای فرایند شکل‌گیری هوش معنوی حاصل می‌گردد و همینطور عدم دستیابی به آن، با شاخص‌هایی چون اضطراب، افسردگی، ناامیدی، سردرگمی و بحران هویت سنجیده می‌شود که این موانع نیز در جریان شکل‌گیری هوش معنوی در دانش‌آموزان کاهش یافته و سیر نزولی دارد. به عنوان نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان از تجربه خود در این باره گفته است: "خوب واقعیتش هوش معنوی اگر درست هدایت بشه و اصولی پیش بره میتونه تو زندگی انسانها خیلی موثر باشه. مخصوصاً تو زمینه‌هایی که نیاز دارن روحیه شون رو تقویت کنن... اگه با برنامه ریزی جلو بره تاثیرش میتونه مثبت باشه برای انسانها و میتونن از امور معنوی و ماوراءالطبیعه برای حل مسائل روزانه شون کمک بگیرن و موفق باشن".

د- **رشد ارزشهای اخلاقی:** رشد و پرورش ارزشهای اخلاقی که در جریان شکل‌گیری هوش معنوی اتفاق می‌افتد، دارای دو زیرطبقه می‌باشد که یکی از طبقات مرتبط با جنبه درون فردی و دیگری مرتبط با جنبه برون فردی و میان فردی است.

– **جنبه درون فردی:** اشاره دارد به آن دسته از خصائص و ویژگی‌های درونی که وجود یا عدم وجود آنها ضامن انسانیت انسان است که با دوری از رذائل و گرایش به فضائل اخلاقی به دست می‌آید که این دستاورد از نتایج شکل‌گیری هوش معنوی است.

۱- **دوری از بدیهها و رذایل اخلاقی:** تعصب، منیت، خودخواهی، دروغ و خیانت از جمله رذایل اخلاقی و صفات ناپسندی هستند که در جریان فرایند تکوین هوش معنوی کاهش یافته و بتدریج از بین می‌روند. این پیامدی است که از مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان استنباط شده است. دانش‌آموز شرکت‌کننده‌ای این چنین گفته است: "واقعیتش من سعی خودمو میکنم همیشه از این کارها بکنم. مثلاً با همه مهربون باشم با حیوانات و اینا یا هیچوقت دروغ نگم، از خدا کمک بگیرم و خودمو به خدا نزدیکتر کنم ولی خوب نمیدونستم که حالا با این کارها باهوش معنوی هستم". و یا: "هوش معنویه که میگه دروغ نگیم یا خیانت نکنیم یا خودخواه نباشیم و منیت رو کنار بزاریم".

۲- **گرایش به خیر و نیکی و فضائل اخلاقی:** طبق تجربه‌های شرکت‌کنندگان، فضائل و صفات پسندیده‌ای همچون نعدوستی، بیداری وجدان، مهربانی، صداقت، میل به کمالات، عدم تناقض در رفتار و گفتار و خودکنترلی و این قبیل ویژگی‌ها طی فرایند شکل‌گیری هوش معنوی در فرد نمایان گشته و از نمودها و مصادیق بارز آنست. به صحبت‌های یکی از شرکت‌کنندگان در این مورد اشاره شده است: "تعبیر من اینه که هوش معنوی تو رو به سمت ارزشهای اخلاقی میکشونه. بخاطر اون تشعشعات مثبتی که داره. فرد معنوی تناقض تو حرفاش و رفتاراش نیست. دروغ نیست. صداقت و هر چیزی که خوبی هست درونش هست".

– **جنبه برون فردی یا میان فردی:** با وجود اینکه این بعد نیز متأثر از بعد ویژگی‌های درون فردی است، ولی در اینجا بیشتر ویژگی‌ها و رفتارهایی مدنظر است که در ارتباط با هم‌نوعان و سایر موجودات از قبیل گیاهان، حیوانات و طبیعت باشد؛ مانند فداکاری برای هم‌نوع، خیرخواهی، گذشت، بخشش، مهربانی، احترام به طبیعت و حیوانات و گیاهان و مراقبت از محیط زیست و از این قبیل موارد. به عنوان مثال تعدادی از مصاحبه‌شونده‌های دانش‌آموز برداشت خود در این خصوص را بیان کرده‌اند: "مثلاً کمک به حیوانات، مثلاً وقتی می‌بینیم یه گربه یا گنجشکی گرسنه اس میتونیم بیرون یا تو پشت بوم یه غذای نونی، گندمی بریزیم تا اونا بخورن و سیر بشن. و مورد بعدی: خدا خودش تو قرآن گفته که اگه انسانی به انسان دیگه که بنده ی منه کمک کنه اونو شاد کنه یعنی منو شاد کرده، یعنی مهم انسانیتش هست که بتونه کمک کنه، دست یکی رو بگیره و مشکلشو حل کنه". و همینطور: "مثلاً کاری کنیم که آشغال رو زمین نریزیم محیط زیستمونو آلوده نکنیم و اینطوری مورد رضایت خدا قرار بگیریم یا به دیگران به محرومان کمک کنیم از دستشون بگیریم یا مثلاً اگه من بخوام بگم از تجربیات خودم میتونه این باشه که به دوستمون کمک کنیم در زمینه درسه".

بحث و نتیجه‌گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی پیامدهای حاصل از عوامل زمینه‌ای در فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه بود. مفهوم شکل‌گیری هوش معنوی به مجموعه‌ای از نیازهای روانی- تربیتی، دشواری‌ها، عوامل و اصولی مربوط می‌شود که اگر به درستی شناخته شوند می‌توانند ما را به پاسخ‌های مناسبی رهنمون سازند. تحلیل داده‌ها و کاوش عمیق در یافته‌ها و بررسی ارتباطات میان طبقات در این پژوهش، منجر به کشف مفهوم مرکزی مطالعه شد و دستیابی به آرامش درونی به عنوان متغیر مرکزی مفهوم‌پردازی گردید که علاوه بر اینکه طبقات را به هم وصل می‌کند و می‌تواند به عنوان طبقه یا متغیر مرکزی در نظر گرفته شود، پیامد مشترک زمینه‌ها و فرایندهای مربوطه در شکل‌گیری هوش معنوی است و البته مهمترین نتیجه و پیامد حاصل از این فرایند محسوب می‌شود. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر فرایند شکل‌گیری هوش معنوی دانش‌آموزان با توجه به عوامل زمینه‌ای دخیل در آن، نتایج و پیامدهای ارزشمندی به دنبال دارد؛ از جمله تحول در جهان بینی با زیر طبقات تحکیم ارتباط با خدا، دریافت الهامات، پرورش حس زیبایی شناختی و احساس رضایت از زندگی، دستیابی به طمانینه و آرامش درونی به عنوان مهمترین پیامد، موفقیت در زندگی و رشد ارزشهای اخلاقی. چنانکه یافته‌های این تحقیق با نتایج پژوهش رضایی و شیخلووند (۱۳۹۶)، امینی جاوید و همکاران (۱۳۹۴)، لطیفی و همکاران (۱۳۹۳)، نصر اصفهانی و اعتمادی (۱۳۹۱)، کورازیا، ساروتار زیزک و مومل (۲۰۱۶) و اسمیت (۲۰۰۴) همسو می‌باشد. تمنائی فر و حسین پناه (۲۰۱۹)، صفا چالشتری و همکاران (۲۰۱۷) نیز در تحقیقات خود به این نتایج دست یافتند. از طرفی این پیامدها با اهداف ذکر شده در سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی ایران هم خوانی داشته و در راستای نظام تعلیم و تربیت دینی و اسلامی است. هوش معنوی حلقه مفقوده در پژوهش‌های علوم تربیتی و عاملی کلیدی و تأثیرگذار در هدایت مدرسه و تحقق اهداف آموزشی و تربیتی است. اندازه-گیری ساختارهای منحصر به فرد هوش معنوی و عوامل موثر در شکل‌گیری آن و توجه به پیامدهای آن، به طور قابل توجهی به درک ما از برداشت دانش‌آموزان از هوش معنوی خویش و این که دانش‌آموزان چه دیدگاهی نسبت به خود دارند می‌افزاید و یافته‌های این پژوهش برای متخصصان تعلیم و تربیت در سنجش و شکل‌دهی هوش معنوی سالم و کامل دانش‌آموزان و دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی در مدارس مفید خواهد بود و می‌تواند برای تحقیقات آینده مثمر ثمر باشد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به فقدان پژوهش-های مشابه برای مقایسه نتایج اشاره کرد. همچنین در تحقیقات کیفی مشارکت‌کنندگان ممکن است در بیان تجارب خود، تمام موارد را درباره موضوعات بیان نکنند و ملاحظاتی را در نظر بگیرند که این مورد از کنترل پژوهشگر خارج بود، به ویژه این محدودیت در تحقیق حاضر که موضوع آن با عقاید و باورهای درونی و تجارب مربوط به احساسات باطنی مشارکت‌کنندگان در ارتباط است، چشمگیرتر بود. چون پژوهش حاضر روی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر تبریز انجام شده است، جهت افزایش قابلیت تعمیم نتایج، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در سطح ملی انجام شود. هر چند که سعی شد با برقراری ارتباط موثر کنترل شود.

منابع

- ابراهیمی، ش (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش معنوی و هوش هیجانی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان تیزهوش دختر دوره متوسطه شهر بیرجند، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات.
- امینی جاوید، ل؛ زندی پور، ط و کرمی، ج (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش هوش معنوی بر افسردگی و شادکامی دانش‌آموزان دختر، زن و جامعه، ۶ (۲)، ۱۶۸-۱۴۱.
- خوش طینت، و (۱۳۹۳). ارزیابی وضعیت سبک مقابله‌ای مذهبی در بین دانشجویان دانشگاه پیام نور و ارتباط آن با هوش معنوی، فقه پزشکی، ۶ (۱۸-۱۹۸).
- دهقانی، م؛ فضل الهی قمشی، س (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین هوش معنوی و تعهد سازمانی دبیران؛ دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اسلام و روانشناسی، ۹ (۶).

1. Korazija, Šarotar Žižek & Mumel
2. Tamannaefar, Hossain panah
3. Safa Chaleshtari, Sharifi, Ghasemi Pirbalooti

- رضایی، ن و شیخلووند، ف (۱۳۹۶). هوش معنوی و جلوه های آن در چهره های شاخص عرفان، *مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد*، سال ۱۳، ۱۲۹-۱۵۱.
- رقیب، م؛ احمدی، س و سیادت، س (۱۳۸۷). تحلیل میزان هوش معنوی دانشجویان دانشگاه اصفهان و ارتباط آن با ویژگی های روانشناختی، *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ۵(۸)، ۳۹-۵۶.
- رئیس، م؛ کاکائی، م و رئیس، ص (۱۳۹۷). تعیین رابطه ی بین هوش معنوی و امیدواری با کیفیت زندگی دانشجویان دختر و پسر رشته های علوم انسانی و علوم ریاضی دانشگاه پیام نور شهر اردل، *رویش روانشناسی*، ۱(۷)، ۲۵۵-۲۳۷.
- سهرابی، ف و ناصری، ا (۱۳۸۹). بررسی مفهوم و مولفه های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن، *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شایان فر، م (۱۳۹۳). *رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت با رضایت شغلی در دبیران مدارس شهرستان ایوان، پایان نامه رشته مشاوره و راهنمایی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء.*
- شجاعی، ا و سلیمانی، ا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روانشناختی و مؤلفه های آن در دانش آموزان تحت پوشش کمی ته امداد امام خمینی (ره) شهرستان اردبیل، *مجله روانشناسی مدرسه*، ۴(۱)، ۱۲۱-۱۰۴.
- طبرساز، غ و معینی کربکندی، م (۱۳۹۳). رابطه ابعاد هوش معنوی با کاهش فرسودگی شغلی، *پژوهش های مدیریت منابع انسانی*، ۴(۴)، ۱۳۵-۱۰۹.
- فضل الله زاده حاجی، ت (۱۳۹۱). *بررسی تطبیقی مؤلفه های هوش معنوی در کتاب های درسی دین و زندگی دوره متوسطه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- لطیفی، ز؛ عبداللهی، ع؛ صادقی، ح و استکی آزاد، ن (۱۳۹۳). *ارتباط بین هوش معنوی، آگاهی و گرایش های عرفانی، پژوهش های معنوی، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام*، قابل دسترس در www.pmbo.ir
- محمدپور، ف (۱۳۹۲). بررسی رابطه هوش معنوی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی در دانش آموزان، *کنگره سراسری روان شناسی کودک و نوجوان*، دوره ۱.
- نصراصفهانی، ن و اعتمادی، ا (۱۳۹۱). رابطه ویژگی های شخصیتی با هوش معنوی و کیفیت زندگی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، *نشریه پژوهش و سلامت*، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲
- Corbin J, Strauss A (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*: New York, Sage Publications, Incorporated.
- Gupta, G.(2012). Spiritual intelligence and emotional intelligence in relation to selfefficacy and self-regulation among college students. *International Journal of Social Sciences and Interdisciplinary Research*, 1(2), 60-70.
- Koražija, M., Šarotar Žižek, S., & Mumel, D. (2016). The Relationship between Spiritual Intelligence and Work Satisfaction among Leaders and Employees. *Naše gospodarstvo/Our Economy*, 62(2), 51–60. DOI: 10.1515/ngoe-2016-0012.
- Safa Chaleshtari, S., Sharifi, T., Ghasemi Pirbalooti, M. (2017). A Study of the Effectiveness of Group Spiritual Intelligence Training on Self-Efficacy and Social Responsibility of Secondary School Girls in Shahrekord. *Social Behavior Research & Health (SBRH)*. 1(2): 81-90.
- Santos, E, Severo, (2006), *Spiritual intelligence; what is spiritual intelligence? How it benefits a person?*, www . Skopun . Files . Wordpress . com
- Skrzypińska, K. (2020). Does spiritual intelligence (si) exist? A theoretical investigation of a tool useful for finding the meaning of life. *Journal of Religion and Health*. Advance online publication. <https://doi.org/10.1007/s10943-020-01005-8>.
- Smith, S, (2004). Exploring the interaction of emotional Intelligence and Spirituality, *Traumatology*, v . 10 (4), p . 231-243
- Tamannaefar, M., Hossain panah, M. (2019). Psychological Effects of Spiritual Intelligence and Creativity on Happiness, *International Journal of Med Invest*; 2; 91-107.
- Upadhyay, Shalini & Shalini, Nitin. (2016) . A Multi-Criteria Decision Framework to Measure Spiritual Intelligence of University Teachers, Information Technology and Quantitative Management, *Procedia Computer Science*, v . 91, pp591-598 .
- Wigglesworth, C . (2012) . *SQ 21: The twenty-one skills of spiritual intelligence* (1st Ed .) . New York: Select Books

